



مرکز تحقیقات اسلامی

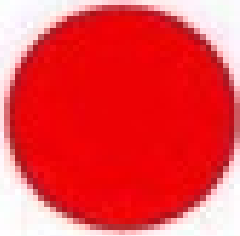
اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# خورشید مغرب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# خورشید مغرب

نویسنده:

محمد رضا حکیمی

ناشر چاپی:

غدیر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	خورشید مغرب
۸	مشخصات کتاب
۸	خورشید مغرب
۹	میلاذ
۹	اشاره
۹	عیسی مسیح و یحیی بن زکریا
۹	نماز بر پیکر پیشوا
۱۰	غیبت کوتاه
۱۰	غیبت طولانی
۱۰	اعتقاد و اصول علمی
۱۰	اشاره
۱۰	زیست شناسی
۱۱	نوامیس طبیعت
۱۱	قوانین طبیعی
۱۱	اشاره
۱۱	واقعیات تاریخ
۱۲	در همین روزگار
۱۲	سخن شیخ مجتبی قزوینی
۱۲	سخنی از عقیده شناسان
۱۳	اشاره
۱۳	نوامیس الهی تاریخ
۱۳	قیام

۱۴	واسطه وجود
۱۴	سخن ابن سینا
۱۴	خلیفه خدا
۱۴	سخن امام علی بن ابی طالب
۱۵	سخنان خواجه نصیرالدین طوسی
۱۵	بشارات پیشینیان
۱۵	اشاره
۱۵	اعتقاد به مهدی اسلامی است نه مذهبی
۱۵	مهدی در کتب معتبر عالمان سنی
۱۶	کتب عالمان سنی درباره مهدی
۱۶	آیات قرآن درباره مهدی بنا به تفاسیر اهل سنت
۱۷	اجماع درباره مهدی
۱۷	اشتباهات
۱۷	اعترافات
۱۷	موعود
۱۸	شیعه و دو حد تاریخ
۱۸	اشاره
۱۸	سخن سقراط
۱۸	سخن شیخ اشراق
۱۹	آرمانهای مصلحان شیعه
۱۹	امروز
۲۰	ای توانگران
۲۰	واقعیت نه پندار
۲۰	آیا ما واقعا منتظر دولت عدل مهدی هستیم

۲۱ ..... پاورقی

۲۳ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

**خورشید مغرب****مشخصات کتاب**

- سرشناسه: حکیمی محمدرضا، ۱۳۱۴ -  
 عنوان و نام پدید آور: خورشید مغرب / محمدرضا حکیمی.  
 مشخصات نشر: تهران: غدیر ۱۳۵۰.  
 مشخصات ظاهری: ۵۱ص.  
 فروست: انتشارات غدیر؛ ۱  
 شابک: ۲۰ ریال (ج. ۲)  
 وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.  
 یادداشت: شماره ۲ در صفحه عنوان ذکر شده است.  
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.  
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- سرگذشتنامه  
 موضوع: مهدویت  
 رده بندی کنگره: BP۵۱/ح ۸خ ۹ ۱۳۰۰ ی  
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۹  
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۴۴۷۰۶

**خورشید مغرب**

بنام خداوند بزرگوار که به این نام، که به این مقاله داده ایم، و در راه و کار همین موضوع، پیشترها نیز، رساله‌ی نوشته شده است. و در اینجا نیز نام آن را گفته ایم. اما سخن دوتاست و دریافت و درک دو. هیچ مانعی در کار نیست اگر راجع به مقصد این مقاله، از جنبه‌های روحی و ماورای طبیعی بحث شود، اما چرا سخن را بدان انحصار دهیم؟ و چرا در نشناختن حقیقتها و اصالت‌های اسلام، تا [صفحه ۸] این اندازه اصرار می‌شود؟ عجب است، آنان که می‌خواهند حقایق اسلام، صریح، و دور از همه‌ی این‌ها و نظریه‌ها و عوام - مایگیها درک نشود، و جامعه به خود نیاید، بسیارند. لیکن دردناکتر آن که ما خود چنین باشیم و بدین غرض، کمک کنیم، حتی با زحمت و مال و صرف وقت همین مردم. من در اینجا به تحصیل کرده‌های ژرف اندیش و آزادنگر [۱] پیشنهاد می‌کنم، و صمیمانه می‌خواهم، که هیچ‌گاه راجع به واقعیت عزیز اسلام، و عناصر تربیتی، و نیروهای آفرینشی آن در مورد دید و درک و تپش و حرکت و عصیان و... به کارهای عوام مایه، استناد نکنند، و خود یافته‌های [صفحه ۹] گروهی تخصص نادیده را برنامه‌ی اسلام نشناسند، چون این کار هم ستم به اسلام است که واقعیتش مجهور مانده است، و هم ستم به خود آنان، که به سوی آن فروغ که می‌بایست مشعل کاروان زندگیشان باشد، دست نیازیده‌اند. چه کنیم، کاری که سالها در راه عملی شدنش به طراری کوشش شده است به این سرعت که ما می‌خواهیم نمی‌توان بی‌اثر کرد. اما از آن طرف نیز باید اعتراف کرد که روزگار ما، روزگار طفره است نه تدریج. آن روز را که می‌شد با تدریج به مقصود رسید، پیشینیان ما در خواب به سر آوردند. و شگفتا! مگر اکنون کسانی بیدارند؟ بگذریم... [صفحه ۱۰] این مقاله را که در زمستان ۱۳۴۰ نوشته بودم به خواست برخی از دوستان، باز به خوانندگان می‌باید عرضه می‌کنم. آن را خورشید مغرب گفتم، نامی بود و کلمه‌ی، تا از آن، چه به ذهنها آید. مردم، مغرب را چاهساری می‌



شناسند که همه ی غوغاها و جوششها و روشنیهای روز و زندگی را در کام خود فرو می برد. البته چنین هم هست. و بگذار باشد، و جوششها و روشنیهای کاذب، در همان چاهسار سرد خاموش غرق گردند. شاید همین خود عکس العملی داشته باشد... و اکنون که برای دومین بار، این نوشته آسانتر در دسترس قرار می گیرد، ناگزیر آنان که بخوانند، به اندیشه یی در این مقصود می رسند، چه کمک اندیشه ی خودشان باشد، یا آغاز اندیشه یی، یا [ صفحه ۱۱ ] امثال آن. هر چه هست این نویسنده را - در اینجا نیز - جز راندن توده به سوی چکاد آفتاب، منظوری نیست. و اکنون که اندک اندک، در ماندگی مکاتب و سیستمها را از دریافت حقوق انسان - با کمال تاسف - مشاهده می کنیم، می توانیم از معنویتها مدد بخواهیم، و روح پنهان گیتی را، و سنگر دفاع وسیعترین حقهای انسانها را بجوییم. ولی امید که شیعه هیچ گاه در مفاهیم مذهب و مکتب خویش اشتباه نکند و به یاد آرد که او هر روزش باید روز باشد. درست است که ما در انتظار خورشیدیم، اما ذاتیت تعلیمات ما و عینیت رفتار بزرگان پیشین ما - که [ صفحه ۱۲ ] شاید امروز یکی نظیر داشته باشد - ما را از نفس در تاریکی به سر بردن، بیم داده و منع کرده است. و آن خورشید... نیز، همین گونه می خواهد که ما با تاریکیها و سردیها در افتیم، تا با ایجاد سنخیت در خود، آماده ی آن همه فروغ و گرمی بیکران شویم. مشهد، حکیمی - محمد رضا نیمه ی آذر ۱۳۴۴ [ صفحه ۱۳ ]

## میلاد

## اشاره

مورخان ولادت امام حجت بن الحسن المهدی را به سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری دانسته اند، که در شب جمعه ی نیمه ی شعبان این سال پای بدین گیتی نهاد. و همواره کوشش می شد تا تولدش از مردم و بویژه دربار عباسی پنهان ماند. زیرا بر مبنای بشارات کتب پیشینیان و روایات اسلامی، اشتهار یافته بود که از حضرت امام حسن عسکری، فرزندی به وجود می آید که برهم زنده ی اساس حکومتها است. از این رو، زندگانی امام حسن عسکری از مدتها پیش، مورد مراقبت کامل بود. و از طرف عباسیان کوشش [ صفحه ۱۴ ] می شد تا از به وجود آمدن و پرورش این کودک جلوگیری شود. با این وصف، بارها افرادی وی را دیدند. هنگام درگذشت حضرت عسکری نیز مردم مشاهده کردند که از اندرون سرا به در آمد، و عموی خود جعفر را به یک سوزد، و بر پیکر پدر خویش نماز گزارد. در این موقع تقریباً پنج سال از عمرش گذشته بود.

## عیسی مسیح و یحیی بن زکریا

محدثان کمال معنوی و ولایت امام را در سن کودکی با سرگذشت عیسی مسیح و یحیی بن زکریا همانند دانسته اند و در توصیف امام گفته اند: چهره اش گندم گون، ابروانش پیوسته، چشمانش سیاه و جذاب، شانه اش وسیع، دندان - هایش گشاده، بینش کشیده و زیبا، گونه هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی، که از بیداری شب عارض شده، بر گونه ی راستش خالی مشکین، عضلاتش محکم، هیئتش خوش منظر و رباینده، و در میان شانه اش اثری است چون اثر نبوت، و او شبیه ترین مردمان است به حضرت محمد ص. [ صفحه ۱۵ ]

## نماز بر پیکر پیشوا

چنانکه یاد کردیم، از جاهایی که امام خود را نمود در مراسم فوت پدر گرامیش بود. و این تجلی همایون که کودکی خردسال بزرگانه گام پیش نهاد، و بر خلق امامت کرد، و بر پیکر پیشوای فقید نماز خواند، خود سبب گشت تا اخبار داخله ی حضرت امام

حسن عسکری بزودی پهن شود و به گوش مراقبان رسد. از این رو، بدون فاصله، از سوی المعتمد عباسی، دستور هجوم و تفتیش و جلب و احیاناً قتل مهدی صادر شد. و اینجا بود که ضمن مقارناتی علل ناپدید شدن امام فراهم آمد، و دوازدهمین پیشوای شیعه، به فرمان الهی، از نظرها پنهان گشت...

### غیبت کوتاه

نخست تا ۶۹ سال، امام از دیدگان عموم پنهان بود، اما کسانی [۲] با وی در تماس بودند، کارهای مردم را می گذراندند، [ صفحه ۱۶] و گاهی گروهی به وسیله ی آنان به دیدار امام بار می یافتند. بعدها دوره ی غیبت طولانی آغاز گردید که تا کنون نیز ادامه یافته است.

### غیبت طولانی

و در این مدت طولانی است که بزرگترین مرحله ی اختبار و امتحان در دار طبیعت و آزمایش ایمان خلق وجود دارد، تا معلوم شود در خلال این روزگاران که هر بامداد خورشید از کرانه ی افق شرقی سر بر می آورد، و بر سراسر صحنه های زندگی مردمان می تابد، اهل قرون و اعصار، در هر نقطه یی از جهان چگونه عمر خویش را سپری می کنند و از هستی و نیروهای خویش چه نتیجه ای می گیرند، و هر فرد یا گروه، در برابر احساس وظیفه، چه می کند، نویسندگان، [ صفحه ۱۷] دانشمندان، مصلحین، دعوات، روحانیان، مربیان نوباوگان، زمامداران، جنگاوران و سایر توده های انسانی که در این پهنه ی بیکران قرار می گیرند، چگونه برنامه ی زیست خود را تنظیم می کنند و علت به وجود آمدن چه اعمال و حوادثی می شوند. خداوند برای امتحان، این فرصت را به آنان داد و کاملاً به اختیار خویشانشان گذارد و ایام را همچنان میان آنان بر گزار کرد و می کند (تلك الايام نداولها بين الناس). از طرفی نیز، دوری آن پیشوای دلسوز و مربی محبوب، هجرانی سوزان و فراقی غمبار بود که انسانهای کامل، و بشر دوستان معتقد، و مردم با ایمان را بسی سوخت و گداخت، و داستان این مشتاقی و مهجوری پایاب شکیبایی از دستشان ربود، و اشکشان را بر این چمن و گل که بی رخ ساقی رنگی نداشت پاشید. اکنون مردم ما، معتقدند که مهدی ع در نهان [ صفحه ۱۸] جهان زندگی می کند، تا روزی، هنگام حصول اقتضای تام، پا در میان اجتماعات نهد، و پرچم عدالت و توحید را بر فراز بلندترین آبادیهای گیتی به اهتزاز در آورد. [ صفحه ۱۹]

### اعتقاد و اصول علمی

#### اشاره

ممکن است مسئله ی طول عمر امام در نظر برخی نیاز به توضیح داشته باشد، پس باید دید از نظر قوانین زیست شناسی و نوامیس طبیعی، طول عمر انسان چگونه است؟ و آیا برهانی علمی و قانونی آزمایشی وجود دارد که به اثبات محال بودن طول عمر منتهی شود یا نه؟ در اینجا باید پیرامون تحقیقات زیست شناسی و چگونگی نوامیس طبیعت و واقعیات تاریخ کمی بررسی کرد.

### زیست شناسی

زیست شناسان می گویند، عمر بشر اندازه و حد ثابتی ندارد و در طبیعت همه گونه عمر بوده است و ممکن [ صفحه ۲۰] است باشد. وایزمن عالم آلمانی می گوید: مرگ لازمه ی قوانین طبیعی نیست و در عالم طبیعت از عمر ابد گرفته تا عمر یک لحظه ای

همه نوعش هست. آنچه طبیعی و فطری است عمر جاودانی و ابدی است. بنابر این افسانه‌ی عمر نهصد و شصت و نه ساله متوشلح (متوشالغ) [۳] نه مردود عقل است و نه مردود علم. در همین دوره خود ما میزان طول عمر بالا-رفته است و دلیلی ندارد که ازین بالاتر هم نرود و یک روز نیاید که بشر به عمر نهصد ساله برسد [۴]... پس به نظر متخصصین، طول عمر انسان به هر اندازه هم باشد بر خلاف اصول علمی نیست، بلکه علم، آن را تایید می‌کند، بطوری که اختیار در صدد بر آمده اند تا حد و مرز را از زندگی انسان بردارند، و با پیدا کردن راه سالم نگاهداشتن سلولهای بدن، بر طول عمر انسان سالهایی مدید بیفزایند. عده‌ی پافراتر نهاده اند و در راه [صفحه ۲۱] تحصیل عمر جاودانی برای بشر (با پیدا کردن هورمانهای [۵] مخصوص و استعمال آنها در انسان) به کوشش افتاده اند، و حتی می‌توانند تا حدودی جوانی را به پیران فرتوت بازگردانند.

## نوامیس طبیعت

عوامل و نوامیس طبیعت نیز، بطلان طول عمر زیاد را به ثبوت نمی‌رسانند. اصولاً-حکمایی که راجع به قوانین طبیعت داده می‌شود، اغلب منشا آنها استقرائهای ناقصی است که محدود است به حدود دید و درک اشخاص. علمای منطق می‌گویند، استقرای ناقص نمی‌تواند دلیل حکم کلی گردد، یعنی مثلاً اگر ما در محیط زندگی خود درختانی را که دیده‌ایم، تلقیح و بارور شدن آنها در اثر عوامل خارجی (از قبیل دخالت اشخاص) نبوده است، به صرف این، نمی‌توانیم بگوییم همه‌ی درختان اینسان است، چه ما [صفحه ۲۲] یک یک درختان همه‌ی جهان را ندیده‌ایم، و ممکن است در آنچه مانده‌ییم درختانی باشد که عمل تلقیح در آنها نیاز به پرورشکاران داشته باشد. پس درباره‌ی امری نمی‌توان حکم کلی کرد مگر هنگامی که همه‌ی موارد آن بدقت رسیدگی شده باشد. [صفحه ۲۳]

## قوانین طبیعی

### اشاره

در طبیعت قوانین دو نوع است: ۱- قوانین عام و ظاهر ۲- قوانین خاص و مخفیقسمت اول: قوانینی است که در همه یا بیشتر افراد دسته یا صنفی که قانون در آن یافت می‌شود، جاری است، و با مطالعه و آزمایش مختصری استنباط می‌شود. قسمت دوم: قوانینی است که در بعضی افراد، در بعضی شرایط یافت می‌شود. و اگر بخواهیم نسبت به دسته یا صنفی از موجودات، در مورد این گونه قوانین، حکمی کلی به دست آوریم، باید در تمام حالات و شرایط تمام آن دسته یا صنف در زمانها و موقعیتهای مختلف دقت کرده معدل گیری کنیم، [صفحه ۲۴] و سپس با قاطعیت کامل حکم دهیم. برای این گفته، مثالهای بسیاری می‌توان دید، در انواع علوم طبیعی، روان شناسی، ستاره شناسی و... و در اختلافات گوناگونی که حتی در افراد انسان - که از یک جنسند - از نظر قوه‌ی بینایی، حافظه، جای قلب، ریه، کبد، طحال و جز آن دیده می‌شود، که همه ثابت می‌کنند که ممکن است در طبیعت بر خلاف آنچه ما دیده‌ایم حقایقی به وقوع برسد. پس به همین اندازه که در محیطهای متعارف خود می‌بینیم مدت عمر دارای حدود نسبتاً معینی است که از آن تجاوز نمی‌کند (البته در بیشتر افراد نه همه، آن هم با این همه آسیبهای روحی و جسمی، و بی‌مبالا-تی اشخاص در بهداشت خود از آغاز سن، و بلکه مراعات نکردن دستورات بهداشتی نسبت به جنین و در دوران شیر خوارگی و طفولیت) نمی‌توان عمر از این مقدار بیشتر را خلاف نوامیس طبیعت پهناور و شگفت انگیز تصور کرد. [صفحه ۲۵]

## واقعیات تاریخ

۳- واقعیات تاریخ و سرگذشت معمرین [۶] نیز دلیل دیگری است برای امکان این موضوع. فلاسفه می گویند: بهترین دلیل برای امکان چیزی، واقع شدن آن چیز است. و واضح است که قضایا و اخباری که تاریخ نقل می کند تا حدی سبب یقین و باور می گردد. مثلا ما به استناد تاریخ، باور می کنیم که در سرزمین میهن عزیز ما سالیانی پیش، خاندانی به نام ساسانی، یا هخامنشی، وجود داشته است. نیز اطمینان داریم که شخصیت‌هایی به نام کوروش و بزرگمهر و انوشیروان داشته ایم، در صورتی که ما آنان را ندیده ایم و آشنایی ما با آنان فقط از راه تاریخ است. درباره ی کسانی که عمرشان بسی به درازا کشیده است نیز در کتابهای تاریخ و زندگینامه ها و سیره نامه ها صفحاتی [صفحه ۲۶] فراوان نوشته اند [۷] و حتی کتبی ویژه ی احوال آنان نیز تدوین کرده اند. [۸] با این حساب می توانیم بپذیریم که افرادی بوده اند که سالهایی فراوان عمر کرده اند، و بهارها و پاییزهایی بسیار دیده اند.

### در همین روزگار

از تاریخ بگذریم، در حال حاضر و در همین روزگار نیز، در روزنامه ها و مجلات داخلی و خارجی فراوان دیده شده است که شرح زندگی اشخاص کهنسال که در همین نزدیکی زنده بوده اند یا اکنون زنده اند درج گشته است. پس با توجه به گفتار فوق، روشن می شود که طول عمر، [صفحه ۲۷] با قطع نظر از تجویز علمی، در خارج نیز واقع شده است و دارای شواهد بسیار است. بنابر این، با چشم پوشی از جنبه ی الهی و قدرت ماورای محسوس، از نظر ظاهر نیز این ادعا را که فردی از انسانها از دیر زمانی باقی است و روزی به حکم جبر تاریخ قیام می کند و در اعماق اجتماعات فرو می رود و اساس فضیلت روحی را استوار می سازد، نمی توان مردود دانست، نه به - دلیل عقل، و نه با قیاس بر واقعیات تاریخ، و نه با قوانین زیست و حیات. و بی انصافی و پشت گردن به تجویزات علمی و تجربه ی تاریخی است اگر چنین فکری به استهزا گرفته شود.

### سخن شیخ مجتبی قزوینی

در اینجا برای امکان موضوع، بیان دیگری در خور تقریر است که اینک از آموزگار بزرگ معارف، متاله اخیر خراسان، حضرت شیخ مجتبی قزوینی، نقل می کنیم. وی [صفحه ۲۸] می گوید: مطابق قواعد فلسفه و حکمت، هر طبیعتی که در عالم موجود شود و قابل زیاده و نقص باشد، به مقتضای اینکه طبیعت، کمال اقصای خود را طالب است، باید فرد کامل از آن طبیعت در عالم موجود شود. بر این قاعده و اساس، مسائل فلسفی چندی مترتب گردیده، که از آن جمله وجود فرد کامل در بشر است که از چنین فردی تعبیر به - نبی یا حکیم شده است. مطابق این قانون مبرهن فلسفی، مزاج و استعداد عمر و زندگانی بشر مراتبی دارد. و زندگانی یک هزار سال یا دو هزار سال، یقینا اقصی مراتب امکان زندگانی بشر نیست، بلکه بیش از اینها هم ممکن است... قطع نظر از این قانون فلسفی، طول عمر بعضی از افراد بشر، خلاف طبیعت نیست، زیرا واضح است که زندگانی هر فرد بستگی به صحت قوای مزاجی او دارد: هر مقدار مزاج صحیح و قویتر [صفحه ۲۹] باشد بقاء زندگانی بیشتر خواهد بود. و تولید مزاج قوی در انسان و صحت آن به واسطه ی موجوداتی از قبیل نور و آب و هوا و خاک و اغذیه و ادویه و غیر اینهاست. و بقاء و صلاح مزاج در هر آنی محتاج به بدل ما یتحلل و حفظ اعتدال است. پس چه مانعی دارد اگر کسی در قوای روحی و علمی چنان قوی باشد که به کیفیت تولید مزاج صحیح و قوی و حفظ آن، و خصوصیات نافع و مضر مزاج و بدل ما یتحلل، علم داشته باشد که بتواند مزاج خود را به حد اعتدال نگاه دارد و به زندگانی خود مدتی بیشتر ادامه دهد. و امروز نیز بسیاری از دانشمندان برای حصول این مقصود در سعی و کوشش می باشند. [۹]. [صفحه ۳۰]

### سخنی از عقیده شناسان

## اشاره

متکلمین و علمای علوم اعتقادی، از روی روایات زیادی که فرق اسلام، از نبی اکرم، درباره ی مهدی نقل کرده اند، اعتقاد به وی را اصلی اسلامی شناخته اند و ناگزیر در کتب عقاید در آن باره به بحثهایی پرداخته اند، که از جمله تفسیر غیبت و فواید وجود امام است در حال غیبت. ما در این رساله - که با اختصار همگام هستیم - سخن را در این موضوعات گسترش نمی دهیم. فقط در اینجا فشرده ای از گفتار دو دانشمند فنی، مولف کفایه الموحدین (سید اسماعیل طبرسی) [۱۰] و مولف بیان الفرقان (شیخ مجتبی قزوینی) [۱۱] را ذکر می کنیم، و سپس یاد آوری نکته ای را بدان پیوست می دهیم. [صفحه ۳۱] خلاصه ی گفتار نامبردگان این است: چون مهدی علیه السلام آخرین خلیفه و حجت خدایی است، لازم بود که خود را از گزند حوادثی و دستهایی که او را می جستند مصون بدارد و در کنف غیبت الهی مستور گردد. و چون موقعیت امام به منزله ی موقعیت پیامبر است پس از تبلیغ (یعنی حافظ احکام تبلیغ شده است)، پس با پنهان بودن او، مردم اگر چه، از دیدارش محرومند، اما عبث و رها نخواهند بود. و باید به احکامی که در دست است عمل کنند. و البته اگر روزی تمام نوامیس دین ضایع گشت آنها ظهور خواهد کرد. [۱۲].

## نوامیس الهی تاریخ

اصل غیبت نیز از سنن الهیه است که به تصریح قرآن در انبیاء و مصلحین سلف نیز بوده است [۱۳]. [صفحه ۳۲] و امام در حال غیبتی که در اثر عصیان خود مردم به وجود آمده است باز حجت است. و در صورتی که مردم به اخلاص وی را بخواهند آشکار خواهد گشت. در همان حال غیبت نیز حوائج و مقاصد متوجهین و متوسلین را بر می آورد و در مشکلات و معارف جویندگان را امداد می کند. دعای وی و اراده اش نیز در انقلاب نیات سرکشان و متنفذین عالم موثر است. و با توجه به اینکه او ناظر کردارهاست، عقیده داران از گناه و تجاوز چشم می پوشند. نیز تربیت و ایصال نفوس مستعد، به عهده ی اوست. پس بدین وسیله، طالبان بصیر از اینکه به دام هوسبازان و دین سازان و مدعیان و اقطاب بیفتند - و دوباره تشتتهای ناروا در کنگره ی اجتماع بس - آزرده ی شیعه به وجود آورند - آسوده می مانند. [۱۴].

## قیام

باید افزود که آمادگی افراد در هر آن، برای قیام [صفحه ۳۳] و مبارزه و جهاد در راه تحکیم عدالت جهانی و حفظ حقوق انسانها نیز واجد اهمیتی بسزاست، زیرا شیعه (بلکه هر مسلمان) در زمان غیبت باید همواره دارای چنین هدفی باشد و در راه تحقق آن به وسایل گوناگون بکوشد. بلکه قیام و به پا خاستنی که هنگام ذکر نام قائم لازم است، برای این است، که شیعه که صاحب تاریخی درخشان و مجاهداتی خستگی ناپذیر است، همواره برای نهضتهای پاک، آمادگی خود را تجدید کند و به یاد تاریخ خون آلود پیشین و آرمانهای مقدس سربازان فداکار تشیع، برای ایجاد یک همبستگی اخلاقی و تحول حقوقی آماده باشد. به گفته ی آیت الله طالقانی: این دستور قیام شاید برای احترام نباشد و الا باید برای خدا و رسول و اولیای دیگر هم به قیام احترام کرد، بلکه دستور آمادگی و فراهم کردن مقدمات نهضت جهانی و در صف ایستادن برای پشتیبانی این حقیقت است. [صفحه ۳۴] وی نیز می گوید: کوچکترین اثر بد بینی، بی رغبتی به خدمات اجتماعی و دلسردی از اقدام به کارهای عام المنفعه و نیکوست. پس توجه دادن مردم به آینده ی درخشان و دولت حق و نوید دادن به اجرای کامل عدالت اجتماعی و تاسیس حکومت اسلام و ظهور یک شخصیت خدا ساخته و بارز که موسس و سر - پرست آن حکومت و دولت است، از تعالیم موسسین ادیان است، و در مکتب تشیع که مکتب حق اسلام و حافظ اصلی معنویات آن است، جزء عقیده قرار داده شده و درباره ی خصوصیات چنین دولتی توضیحات بیشتری داده

اند. و پیروان خود را به انتظار چنین روزی ترغیب نموده و حتی انتظار ظهور را از عبادات دانسته اند، تا مسلمانان حق پرست، در اثر ظلم و تعدی زمامداران خود پرست، و تسلط دولتهای باطل و تحولات اجتماعی بزرگ و حکومت ملل ماده پرست، اعم از شرقی و غربی، خود را نبازند و دل قوی دارند و جمعیت [ صفحه ۳۵ ] را آماده کنند. و همین عقیده است که هنوز مسلمانان را امیدوار و فعال نگاه داشته است. این همه فشار و مصیبت از آغاز حکومت دودمان دنائت و رذالت اموی تا جنگهای صلیبی و حمله ی مغول و اختناق و تعدیهای دولتهای استعماری، به سر هر ملتی وارد می آمد خاکسترش هم به باد فنا رفته بود. لیکن دینی که پیشوایان حق آن دستور می دهند که چون اسم صریح قائم موسس دولت حقه ی اسلام، برده می شود، به پا بایستید و آمادگی خود را برای انجام تمام دستورات اعلام کنید و خود را همیشه نیرومند و مقتدر نشان دهید، هیچ وقت نخواهد مرد... [۱۵].

### واسطه وجود

نکته ای که در پایان این بخش باید یاد آوری شود این است که آثار وجود امام را تنها نباید از جهت [ صفحه ۳۶ ] تربیت اجتماعات مورد لحاظ قرار داد. حجت و ولی، از نظر ناموس تکوین و پیوستهای درونی آفرینش نیز لازم است که وجود داشته باشد، زیرا خداوند مبنای عالم هستی را بر اسباب و وسایط قرار داده است، حتی فیض وجود و اصول نعمتها باید به وسیله ای قابل، از مبدا عالم کسب شود و به کاینات برسد. بنابر این، تربیت مردم یکی از چندین اثر وجود حجت است، و در صورتی که روی موانعی عملی نگشت، باز سایر آثار بر وجود او مترتب است. و خود فیض پیاپی و تحقق مراحل اضافات اشرافیه وابسته به وجود اوست، که چون آینه ای تابان، در برابر مطلع انوار بیکران ازلیت قرار گیرد و فروغ حیات بخش هستی را بر جان کاینات منعکس سازد.

### سخن ابن سینا

ابن سینا در فصلی که، راجع به امام و خلیفه گفتگو می کند و درجات اخلاقی و علمی انسان را گزارش می دهد، می گوید: [ صفحه ۳۷ ] و من فاز مع ذلك بالخواص النبویه کاد ان یصیر ربا انسانیا... و هو سلطان العالم الارضی و خلیفه الله فیه. [۱۶] یعنی: و هر کس علاوه بر آنچه گفته شد (درباره ی امام و پیشوا) دارای خواص پیامبری باشد، چنین کسی رب النوع انسان تواند بود و او فرمانروای جهان خاکی است و خلیفه الله است در زمین. و روشن است که مراد از العالم الارضی، جمیع کاینات ارضی است که تحت استیلا و لایتهی امام است. چنانکه از ربا انسانیا نیز استفاده می شود که مقصود، صاحب تاثیر بودن است در ترتیب صورت نوعیه.

### خلیفه خدا

در قرآن کریم نیز، این موضوع تایید می شود [ صفحه ۳۸ ] که نسبت به آدم اول می گوید: و اذ قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه... [۱۷] یعنی: و گوش فرا دار ای محمد، آن گاه که پروردگار تو به فرشتگان گفت: من اندر زمین خلیفه قرار دهم. که روی فی الارض تکیه شده است.

### سخن امام علی بن ابی طالب

امام علی بن ابی طالب نیز گفته است: اللهم بلی لا- تخلو الارض من قائم لله بحجه، اما ظاهرا مشهورا، او خائفا معمورا... [۱۸]. [ صفحه ۳۹ ] یعنی: آری، زمین از حجتی قائم، خالی نتواند بود. چه این حجت، آشکار باشد و شناخته، و چه نگران و پنهان.

## سخنان خواجه نصیرالدین طوسی

«فیلسوف و ریاضیدان بزرگ مشرق، خواجه نصیرالدین طوسی نیز، در جمله‌ی معروف خود: وجوده لطف، و تصرفه لطف آخر، و عدمه منا یعنی: بودن امام لطف خدایی است و دخالتش در امور لطفی دیگر، و غیبتش، از خود ماست. به همین حقیقتها نظر داشته است. این متفکر بزرگ در کتابی دیگر می‌گوید: [صفحه ۴۰] فایده: حرمان خلق از امام و علت غیبت او، چون معلوم است که از جهت خدای سبحانه نباشد، و از جهت امام نبود، پس لابد از جهت رعیت بود. و تا علت آن زایل نشود، ظاهر نگردد، چه بعد از ازاحت علت و کشف حقیقت، حجت خدای را باشد بر خلق نه خلق را بر وی. و استبعاد از درازی عمر حضرت مهدی - علیه السلام - نمودن، چون امکانش معلوم است، و از غیر او متفق، جهل محض بود. [۱۹]. [صفحه ۴۱]

## بشارات پیشینان

### اشاره

پس از آنچه گذشت می‌گوییم، از روزگاران کهن، داستان ظهور مصلح، در اواخر تاریخ زندگی بشر، اصلی اساسی بوده است که پیوسته پیشینان آن را به یادها می‌آورده‌اند. اکنون نیز پس از گذشتن قرن‌ها، در خلال یادگار - های انسانهای قدیم آثاری وجود دارد که ما را به گفته‌ی بالا رهنمونی می‌کند: اصولاً فتوریسیم (fotorism) یعنی اعتقاد به دوره آخرالزمان و انتظار ظهور منجی، عقیده‌ای است که در کیشهای آسمانی یهودیت (جودائیسیم) و زردشتی (زورواستریانیسیم) و مسیحیت (در سه مذهب عمده آن: کاتولیک، پروتستان، ارتدوکس)، [صفحه ۴۲] و مدعیان نبوت عموما، و دین مقدس اسلام خصوصا، به مثابه‌ی یک اصل مسلم قبول شده است. و درباره‌ی آن، در مباحث تئولوژیک مذاهب آسمانی، رشته تئولوژی بیبلیکال، کاملاً شرح و بسط داده شده است. بشاراتی که در این باره در کتب آسمانی مقدسه و کتب مدعیان نبوت وارد شده فراوان است که از کتب غیر اسلامی، زبور، زند، حکمی، صفینا، اشعیا، شاکمونی، دید، پاتکیل (هند)، انجیل متی، انجیل یوحنا، کتاب دانیال، جاماسب - نامه و... را می‌توان نام برد. و از جمله در جاماسب نامه شاگرد زردشت می‌گوید: مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگ سر و بزرگ تن و بزرگ ساق، و به دین جد خویش بود، و زمین را پر داد کند. [۲۰].

## اعتقاد به مهدی اسلامی است نه مذهبی

با این مقدمات می‌بینیم که اعتقاد به مهدی، اسلامی [صفحه ۴۳] است نه مذهبی، یعنی مربوط به همه‌ی فرق اسلام است نه تنها شیعه. بلکه باید گفت اعتقاد به ظهور مصلح، ملی است، یعنی اهل ادیان بدان اعتراف داشته‌اند. اما اسلامی بودن آن، اصلی است روشن. احادیث این موضوع در کتب علمای اسلام به اندازه‌ای فراوان است که کمتر به آن اندازه در مورد دیگری حدیث رسیده است. دانشمندان فن حدیث می‌گویند، احادیث نبوی راجع به مهدی بیش از حد تواتر (ثبوت قطعی) است. این احادیث در بابهای مختلف کتب حدیث ضبط است. و اصل موضوع - چنانکه گفتیم - اختصاص به شیعه ندارد [۲۱]، بلکه هر مسلمانی که به پیغمبر اسلام گرویده است باید به آن اعتقاد داشته باشد، چنانکه اکثر علمای اهل سنت مطلب را همین گونه تلقی کرده‌اند و آنان بیش از ۵۰۰ حدیث در این باره نقل کرده‌اند و در بیشتر از ۶۰ کتاب از کتبشان مباحث و روایاتی راجع به امام قائم [صفحه ۴۴] آورده‌اند، که در اینجا پاره‌ای از آنها نام برده می‌شود:

## مهدی در کتب معتبر عالمان سنی



مسند تالیف احمد بن حنبل شیبانی م ۲۴۱ صحیح تالیف محمد بن اسماعیل بخاری م ۲۵۶ صحیح تالیف مسلم بن حجاج نیشابوری م ۲۶۱ سنن تالیف ابو عبدالله ابن ماجه قزوینی م ۲۷۳ سنن تالیف ابوداود سجستانی م ۲۷۵ صحیح تالیف ابو عیسی ترمذی م ۲۷۹ سنن تالیف احمد بن شعیب نسایی م ۳۰۳ حدیث الولایه محمد بن جریر طبری م ۳۱۰ شرح السنه تالیف حافظ ابو محمد فراء بغوی م ۵۱۶ المصابیح تالیف حافظ ابو محمد فراء بغوی م ۵۱۶ موالید اهل البیت تالیف ابن الخشاب م ۵۶۷ جامع الاصول تالیف مجدالدین ابن اثیر م ۶۰۶ فتوحات مکیه تالیف محیی الدین ابن عربی م ۶۳۸ عنقاء مغرب تالیف محیی الدین ابن عربی م ۶۳۸ مطالب السوول تالیف ابن طلحه شافی م ۶۵۲ تذکره خواص الامه تالیف سبط ابن جوزی م ۶۵۴ فرائد السمطین تالیف شیخ الاسلام حموی م ۷۲۲ [ صفحه ۴۵ ] مقدمه تالیف ابن خلدون م ۸۰۸ جواهر العقیدین تالیف نورالدین سمهودی م ۹۱۱ الصواعق تالیف ابن حجر هیتمی م ۹۷۴ کنوز الحقایق تالیف زین الدین مناوی م ۱۰۳۱ اسعاف الراغیین تالیف ابوالعرفان صبان م ۱۲۰۶ ینابیع الموده تالیف خواجه کلان قندوزی م ۱۲۹۳ الفتوحات الاسلامیه تالیف احمد زینی دحلان م ۱۳۰۴

### کتاب عالمان سنی درباره مهدی

نیز عده ای از علمای اهل سنت درباره ی صاحب امر کتابهای ویژه نگارش داده اند، چون: الاربعین حافظ ابونعیم اصفهانی مناقب المهدی حافظ ابونعیم اصفهانی نعت المهدی حافظ ابونعیم اصفهانی البیان فی اخبار صاحب الزمان: حافظ گنجی شافعی البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان: متقی هندی مولف کتزر - العمال. اخبار المهدی: حماد بن یعقوب. العرف الوردی فی اخبار المهدی: حافظ سیوطی علامات المهدی حافظ سیوطی [ صفحه ۴۶ ] القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر: جمال الدین مقدسی. التوضیح، فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر و الدجال و المسيح: قاضی محمد شوکانی. ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون: استاد احمد محمد صدیق مغربی. الاذاعه لما کان و ما یکون بین یدی الساعه: ابو طیب محمد صدیق - خان قنوجی بخاری هندی. و گروهی از دانشمندان اهل سنت به وقوع ولادت مهدی، تصریح کرده اند، چون: ابن طلحه شافعی در مطالب السوول محمد بن یوسف گنجی در البیان و کفایه الطالب ابن صباغ مالکی در الفصول المهمه سبط ابن جوزی در تذکره خواص الامه محیی الدین ابن عربی در الفتوحات المکیه عبدالوهاب شعرانی در البیواقیت و الجواهر عبدالرحمن دشتی در عقائد الاکابر عطاء الله غیاث الدین در روضه الاحباب محمد بن محمد بخاری (خواجه پارسا) فصل الخطاب عبدالرحمن عارف دهلوی مرآه الاسرار احمد بن ابراهیم بلاذری الحدیث المتسلسل [ صفحه ۴۷ ] عبدالله ابن الخشاب تواریخ موالید الائمه و وفیاتهم [۲۲].

### آیات قرآن درباره مهدی بنا به تفاسیر اهل سنت

۱ - و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین [۲۳] یعنی: ما می خواهیم سپاس و منت نهم بر آن کسان که ناتوان گرفته شدند در زمین، و ایشان را پیشوایان کنیم و میراث بران زمین ۲. - و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون. [۲۴]. [ صفحه ۴۸ ] یعنی: ما در زبور، از پس ذکر (قرآن)، نوشته ایم که سرانجام، زمین را بندگان نیک ما میراث برند و صاحب شوند... ۳. فسوق یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه، اذله علی المومنین، اعزه علی الکافرین، یجاهدون فی سبیل الله... [۲۵] یعنی:... آری خداوند قومی آرد که ایشان را دوست دارد و ایشان او را دوست دارند، اینان با مومنان خوشند و نرم جانب و بر کافران سختند و نابخشاینده، و همواره می کوشند و جهاد می کنند در راه خدا. آیات بالا از جمله آیاتی است که به تصدیق مفسرین سنی و شیعه، راجع به قضایای امام است. و می توان تفصیل آن را در تفاسیر اهل سنت از قبیل: مفاتیح الغیب فخر رازی و غرائب القرآن نیشابوری دید. [ صفحه ۴۹ ]



## اجماع درباره مهدی

برای این ابن خلدون، مورخ و جامعه شناس معروف اسلامی، می گوید: آن چه در میان تمام مسلمانان و در تمام قرون معروف بوده است این است که ناچار باید در آخر الزمان مردی از خاندان پیغمبر ظهور کند و دین را تایید بخشد و عدل و داد را آشکار سازد و مسلمانان از او پیروی خواهند کرد و او را مهدی می نامند... [۲۶].

## اشتباهات

با این تفصیل، اگر بعضی از مستشرقین در این مسئله اشتباه کنند به جای خود، نسبت به برخی از نویسندگان [صفحه ۵۰] اسلامی، امثال احمد امین و محمد حسن سعد، چه باید گفت؟ این آقایان که به قول خود مصریها بحاثه و محققند، چرا موضوعی را که جزو متن اعتقادات اسلامی است و از پیغمبر اکرم در مورد آن، حدیثها رسیده است اصلاً ندانند، ندانند و قلم بردارند و هر چه می خواهند بنویسند، یا بدانند و فقط برای ایجاد سوء تفاهم بین مذاهب اسلامی نادیده انگارند؟ [۲۷] به یقین خواننده ی کتب این آقایان به گمان می افتد که آیا اینان واقعا محققند، یا جیره خوار استعمار شومی که حتی با نوامیس روحانی ملل و اقوام نیز بازی می کند؟ خوب بود اینان اول چند کتاب معروف و معتبر از علمای اسلام می خواندند، بعد درباره ی اسلام و مهدویت در اسلام کتاب می نوشتند. و اگر وقت مطالعه ی این کتب را نداشتند سزاوار بود دست کم کتاب کشف الظنون و ایضاح المکنون و دوره ی فهرست کتابخانه ی جامع الازهر را [صفحه ۵۱] می دیدند، یا لاقبل به شاگردان خود دستور می دادند که ببینند و به آنان اطلاع دهند؟! مقصود این است که ماخذ سرشار و منابع عظیمی در کتابها و تالیفهای بزرگان اهل سنت درباره ی مهدی وجود دارد که حتی مراجعه به فهرست کتابها و تالیفات آنان، این حقیقت را روشن می کند.

## اعترافات

و البته همین صحت ناگزیر و مستند بودن و بیکرانگی این واقعیت است که، در هر صورت، احمد امین را به اعترافاتی نیز واداشته است، اعترافاتی که استاد شیخ محمد جواد مغنیه در کتاب المهدی المنتظر و العقل [۲۸] از وی نقل می کند. از جمله احمد امین می گوید [۲۹]: اما اهل السنه فقد آمنوا بها ایضا. [صفحه ۵۲] یعنی: اهل سنت نیز به موضوع مهدی ایمان آورده اند. نیز می گوید: قد احصى ابن حجر الاحادیث المرویه فی المهدی فوجدها نحو الخمسین یعنی: تنها ابن حجر در احصای احادیث مهدی به ۵۰ حدیث دست یافته است نیز می گوید استاد احمد محمد صدیق، صحت احادیث راجع به مهدی را اثبات کرده و گفته است: این احادیث به حد تواتر رسیده است. [صفحه ۵۳]

## موعود

آری انقلاب خورشید مغرب، با این شعار سلم و صفای جهانی، که حاکی از صمیمی ترین پیوند رهبر - مردم است [۳۰] می آغازد: السلام علی المهدی، الذی وعد الله... به الامم، ان یجمع به الکلم، و یلم به الشعث، و یملأ به الارض قسطا و عدلا... و ینجز به وعد المومنین. بر مهدی درود باد، که خدای به ملتها رسیدنش را نوید داده است. تا مکتبها را به وسیله ی او یکی [صفحه ۵۴] کند، و نیروهای پراکنده ی خلقها را به کمک او درهم فشارد، و با رهبری او یک جهان حقوقی، که کران تا کران داد و دادگری باشد، پدید سازد. و بدین گونه خداوند وعده ای را که به مومنان داده است عمل کند. پس معلوم شد که اصل عقیده به انقلاب آخرالزمان و خروج مهدی آل محمد ص موضوعی است اسلامی و اختصاص به شیعه ندارد. [۳۱] آری شیعه اختصاص به آن دارد،

چه اینکه شیعه به این امر اختصاص دارد که به تمام گفتار پیغمبر کردن نهد و از خاندان وحی علوم اسلام را فراگیرد، [صفحه ۵۵] و از پیش خود فقها و عقیده تراشانی به عالم اسلام تقدیم نکند. پس ازین باید دید پیشگویی‌هایی که راجع به زمان ظهور و کیفیت زندگی در آن روزگار و طرز رفتار امام شده است چگونه است، البته در آن موضوعات با این همه اکتشافات علمی اخیر نمی توان به آسانی تردید کرد. امروز ما از وسایلی استفاده می کنیم که نیم قرن پیش جزو محالات به نظر می رسید. پس با دیدن این پیشرفت سریع و وسیع علم، اموری دیگر را بطور حتم نمی توان نادرست پنداشت. با اینکه بر هوشمندان روشن است که این همه پیشرفتهای خود نتیجه ی سحر علم و اکتشاف است، و هنوز پیروزیهای ارزنده و فراوانی در انتظار آزمایش و علم است. و روزی موفقیت کامل نصیب می گردد که صبح دولت علم طلوع کند، و بشر ربط مسائل علوم مختلف را بفهمد، و عقل فعال متفکران پرده از روی قوانین مجهول بردارد، و علامتهای سوال از اطراف امثال آنا تول فرانس برچیده شود، و نسبت معلومات مثل اینشتین به مجهولاتش، نسبت روزنه ای به کتابخانه اش نباشد، و علم بتواند از دل هر موجود قوانین [صفحه ۵۶] آن را بر آورد و با مدارهای هندسی خود بر صحنه ی بیکران هستی نظارت کند... امید که کم کم شرق عزیز نیز بتواند محیطهای استعداد کش خود را محکوم به زوال سازد، و از قدرتهای عظیم نوابغ خود بهره مند گردد، و باز مشرق - زمین را که به گفته ی مرحوم فروغی جای آغاز کردن دانش و تمدن بوده است، به همان مجد باستانی خود برساند... تا اینجا، رسیدگیهای فنی این موضوع با اختصاری که منظور بود انجام یافت. اینک به تذکر یک مسئله ی اجتماعی که به اعتقاد نویسنده ی این سطور، روح این گونه مباحث است پرداخته می شود، تا این گفتار را هم به پایان برساند. [صفحه ۵۷]

## شیعه و دو حد تاریخ

### اشاره

جرج جرداق، ادیب لبنانی معاصر، [۳۲] می گوید: روزی محمد بن ابراهیم بن اسماعیل... ابن علی، هنگام عبور از خیابانی (در کوفه)، پیره زنی را دید که دنبال بار خرمایی می دود و هر چه از آن می ریزد بر می دارد و در دامن پیراهن کهنه اش جمع می کند. پیش رفت و از حال او پرسید. گفت: من کسی ندارم جز چند دختر کوچک که نمی توانند پی کار روند و روزی تحصیل کنند. این قوت من و آنها خواهد بود! [صفحه ۵۸] محمد بشدت گریست و ناله کرد و گفت: انت و الله و اشباهک تخرجونی غذا حتی یسفک دمی یعنی: همین تو و امثال تو به خدا قسم سبب می شوید که فردا در آیم تا کشته شوم! و چنین هم شد... جرج جرداق، در این فصل [۳۳] مقداری دیگری از فعالیتهای مجاهدین تاریخ شیعه را بیان می کند، بعد این گونه نتیجه می گیرد: لمثل هذه المبادی کانت الجماهير تتشيع... یعنی: این مجاهدات پیگیر و اعتقادات جاندار بود که موجب می شد تا توده های انبوه پیاپی شیعه شوند... [صفحه ۵۹] کاش آنان که به گمان خود درباره ی پیشرفت تشیع تحقیق می کنند، به اندازه ی این نویسنده ی مسیحی دید و انسانیت می داشتند، تا درک می کردند [۳۴] که مبادی انسانی و ایده های اجتماعی مقدسی که در مذهب شیعه بود، انسان شیعه را پیش انداخت و دل و جان اجتماعات حساس را فریفته ی پیشوایان این مذهب کرد. اصولاً طرز فکر شیعه راجع به پیشوای مردم، آن است که باید در کردار معصوم باشد و از همگان افضل، تا جهل و نادانی به ظلم و تضییع نفوس وادارش نکند.

### سخن سقراط

چنانکه سقراط می گوید بهترین نوع حکومت، حکومت حکما و فلاسفه است [۳۵]. [صفحه ۶۰]

### سخن شیخ اشراق

نیز شیخ اشراق می گوید: بهترین رهبر کسی است که در حکمت و علم و توجه به خدا و عمل، نمونه‌ی کامل باشد. و این گونه شخصی در هر عصر لازم است، اگر چه پنهان باشد. [۳۶] سرچشمه‌ی این فکر در شیعه، بجز مبانی عقلی و حقوقی و علم الاجتماع، روح تعلیمات اسلامی است که پیامبر در احادیث فراوانین بدان تصریح کرده است و مکرر، هنگامی که درباره‌ی امامت حضرت علی گفتگو می کرده چنین فرموده است. او از همه داناتر است. در قضاوت عادل تر و در تقسیم مساوات جوتر است. او شما را به روشنترین [صفحه ۶۱] راه رهبری می کند [۳۷].

## آرمانهای مصلحان شیعه

پس این است مبنای فکری شیعه. از این رو کوششهایی هم که متفکرین بزرگ و اصلاح طلب شیعه کرده اند و می کنند و آنچه را در طول چهارده قرن از دست نهشته اند برای همین است. در اینجا، از میان این مجاهدان تاریخ انسانی، من چند چهره‌ی مشهور و بزرگ شیعی قرن چهاردهم اسلامی را نام می برم. باشد تا یاد آنان زنده شود. اینان هر کدام در جهتی از جهات دین و فرهنگ و جامعه و معرفت و انسان، جهاد کرده اند: میر حامد حسین هندی نیشابوری م ۱۳۰۶ ه. ق مؤلف عباقات الانوار میرزا محمد حسن شیرازی م ۱۳۱۲ ه. ق صاحب فتوای مشهور [صفحه ۶۲] سید جمال الدین اسد آبادی م ۱۳۱۵ ه بیدارگر اقالیم قبله حاج میرزا حسین نوری م ۱۳۲۰ ه مؤلف مستدرک الوسائل سید اسماعیل عقلی طبرسی م ۱۳۲۱ ه مؤلف کفایه الموحدین میرزا محمد تقی شیرازی م ۱۳۳۸ ه صاحب فتوای مشهور شیخ محمد خیابانی م ۱۳۸۸ ه متفکر اجتماعی معروف شیخ محمد جواد بلاغی م ۱۳۵۲ ه مؤلف الهدی الی دین المصطفی سید حسن مدرس م ۱۳۵۷ ه مجتهد سیاسی مشهور [صفحه ۶۳] سید محسن امین عاملی م ۱۳۷۱ ه مؤلف اعیان الشیعه (۵۶ جلد) شیخ محمد حسین کاشف الغطاء م ۱۳۷۳ ه مؤلف اصل الشیعه و اصولها سید عبدالحسین شرف الدین عاملی م ۱۳۷۷ ه مؤلف المراجعات شیخ مجتبی قزوینی خراسانی م ۱۳۸۶ ه مؤلف بیان الفرقان شیخ آقا بزرگ تهرانی م ۱۳۸۹ ه مؤلف الذریعه الی تصانیف الشیعه شیخ عبدالحسین امینی م ۱۳۹۰ ه مؤلف الغدیر و شهداء الفضیله [۳۸] و.... [صفحه ۶۴] آری کوشش این رادمردان و همانند ایشان در سطوح مختلف مسائل انسان و معرفت و جامعه، همواره برای شناساندن تفکر و اقدام اسلامی شیعه است که ضمناً معرفی اصل اسلام است و طرز برخورد اسلام با جامعه‌ی انسان.

## امروز

امروز سطح بحث راجع به تشیع بالاتر از آن است که بعضی مردم یکسو بین خیال می کنند و می پندارند که منجر به شتم می گردد و اختلاف به بار می آورد. امروزه، امروز دنیا از ما می پرسد که پیش از طلوع نیز - اسلام، انبیاء و مصلحین بزرگی برای نجات بشر قیام کرده بودند و در میان آنان مردانی بودند که در راه این هدف مقدس همراه تنه‌ی درخت دو نیم شدند، یا جام شوکران را بیدرنگ نوشیدند، آیا پیغمبر اسلام که می گوید: [صفحه ۶۵] من مبعوث شده‌ام تا فضایل اخلاقی بشر را تکمیل کنم. اگر نتایج تمام انقلابات و تعلیمات اخلاقی او همین بود که خلفای عیاش و بیباک و سفاک اموی و عباسی بر مردم حکومت کنند، چه اخلاقی و چه مکتبی؟! و اگر این است که رهبر مردم، بهترین استراحت و آرامش وجدانش در آن باشد که شب، مهتاب صفت پا در خرابه‌ها نهد، و بر بالین زاغه نشینان بنشیند و به دلجوئی آنان پردازد، و روز با ابهت بیکران خود، که از تقوای حقیقی برخاسته است، پا در - میان میدانها نهد و بر سراسر صحنه‌ی زندگی نظارت کند و به اجتماع فضایل بیاموزد، که این جز در نزد علی و آل علی نیست. امروز صرف نظر از اینکه ما وظیفه داریم این حقیقت را به جهان اعلام کنیم و علی‌ع را بعنوان نمونه‌ی قطعی فکر و عمل اسلامی نشان دهیم، بیشتر نیازمندیم که با جوانان [صفحه ۶۶] تحصیل کرده و با احساسات خود نیز این موضوعها را در میان

نهم، تا با دیدن این اوضاع نگرانی بار به انحراف ملی و دینی دچار نگردند و خالیگاههای ذهن خود را با تعلیمات بیگانگان پر نکنند. و بدانند که رهبران حقیقی دین افرادی هستند که تاریخ بشر از به وجود آوردن کسانی که حتی با آنان طرف مقایسه قرار بگیرند عقیم است، نهایت باید کوشید تا این تعالیم عملی گردد. استاد محمد عبدالله عنان مصری، در کتاب تاریخ - الجمعیات السریه و الحركات الهدامه [۳۹] در بیان اسرار نهضت‌های شیعه مطلبی می گوید بدین حاصل: شیعه این همه تعقیب که از هدف خود داشته به این ملاحظه است که معتقد است باید همیشه در راس، شخصی قرار گیرد که معصوم باشد و تعلیماتش در هر وقت عملی گردد، تا بر مردم هیچ گونه ظلمی نرود. [صفحه ۶۷] اینک توجه کنید! ملتی که در دو حد تاریخی عدالت قرار گرفته است، یکی در گذشته که تحت رهبری علی بوده و آن گونه حقوق رعایت می شده است، و یکی در آینده که معتقد است رهبریش با فرزند همان علی خواهد بود و دولت عدالت گستر مهدی بر پهنه ی زندگی حکومت خواهد کرد، آیا سزاوار است انسان ملتی، این اندازه از حقایق اخلاقی و رشد اجتماعی محروم باشد، و انواع ستمها و تعدیها در بین آن رواج یابد؟ و هیچ به خود نیاید که دینی را که عقیده دارد آغازش عدل است و انجامش عدل، در میان، این همه ظلم و جنایت چیست؟ آیا پیشوای گذشته ی این ملت بر این همه ظلم و ستم صحه گذارده است، یا پیشوای آینده شان صحه خواهد گذارد؟

### ای توانگران

در اینجا باید سخن را به هم فشرده و فقط به ثروتمندان شیعه بلکه مسلمان گفت: باید بدانید این کردار ستمزا و این رفتار متکبرانه، و این بی خبری از حال درماندگان و زاغه نشینان و رنجبران و ستمکشان (همانان که از خون دل روزی می خورند، و در زوایای دور دست شهرها زندگی [صفحه ۶۸] می کنند و در شبان سرد تیره، اتاقهای گلین نیمه گرم کوره ها را حافظ جان خود قرار می دهند)، عاقبت خوبی برای شما نخواهد داشت، نه در دنیا و نه در آخرت. و بجز مسوولیت وجدان، در پیشگاه خدا و علی و مهدی نیز مسوول و مواخذ هستید. از همه بدتر شما به چنین مردان عدالت گستر منتسبید و این همه ستم و بی رحمی؟! مگر کودکان معصوم، و زنان تیره - بخت، و سالخوردگان از کار افتاده انسان نیستند؟ علی به - مالک اشتر می گوید: با مصریان مدارا کن! که اگر مسلمان نباشند هم نوع تواند، ای انسان آنها هم انسانند! امام صادق فرمان می دهد که به کارگر، پیش از خشکیدن عرقش مزد دهید، زیادتیر هم بدهید! آیا این تعلیمات از کیست؟ و برای کیست؟

### واقعیت نه پندار

پاره ای می پندارند این برنامه ها جزو پندارهای [صفحه ۶۹] فلاسفه و نظامهای خیالی است و قابل اجرا نیست. آیا بزرگترین پاسخ به این پندار این نیست که ما شاهدی عملی همچون رفتار علی داریم؟ در این صورت آیا ما شیعه، رفتار علی را با این شکاف عمیق و امتیازات شوم طبقاتی معرفی می کنیم؟ آیا ما نسبت به شهدای فضیلت و انسانیت که برای ایجاد ما منامه ی قرآن و نهج البلاغه با جامه ی گلگون شهادت و خون گرم خود به دل تیره ی خاکهای سرد رفتند وفا داریم؟ [صفحه ۷۰]

### آیا ما واقعا منتظر دولت عدل مهدی هستیم

گروهی می پندارند در زمان غیبت از انجام هر تکلیف اجتماعی معاف هستند. اسلام که اساسش تحکیم روابط انسانها و ایجاد صفا و محبت عمومی است، اسلام که اجتماع را محل نزول برکات می داند، اسلام که خیلی از احکام عبادیش بر مبنای فلسفه های اجتماعی مقرر شده است، چگونه مکلفین را از تکالیف اجتماعی معاف می گذارد؟ زمان غیبت زمان امتحان عظیم است، آیا این همه انسانها که در این هزار سال آمده اند و تکالیفی نسبت به مفاسد عصر خود و افراد همعصر خود داشته اند و همه در گذشته اند،

این تکالیف باقی است که امام بیاید و انجام دهد؟... [صفحه ۷۱] امید است دانشمندان و عالمان بینا و دلسوز که خود را برای دین می خواهند، نه دین را برای خود، افکار مردم را - که فطرتشان پاک است و بیشتر شرایط سوء در آنان سوء اثر گذاشته است - به این حقایق توجه دهند، و به تاثیر آن امید بندند. و بدانند که روشن کردن افکار اصلی مهم است. آناتول فرانس می گوید: اگر پندارهای فلاسفه ی گذشته نبود مردم هم اکنون نیز برهنه و بدبخت در غارها به سر می - بردند. همانا نخستین فروغ تمدن از مغز متفکرین جهید، و از خلال این افکار بهره بخش است که حقایق نافع آشکار می گردد [۴۰]... بار خدایا! توفیق همه را برای ایجاد یک زندگی سعادت‌مند اخلاقی و محیط نورانی انسانی آرزومندیم، و هم مسئلت داریم که خروج قائم آل محمد را نزدیک گردانی، [صفحه ۷۲] و او را از نهانگاه تقدیر بر آوری تا بر کهنترین معبد توحید تکیه دهد، و آهنگ دلربای خود را به گوش توده های سرگردان بشری برساند و ستم و بیدادگری را پایان بخشد. اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمه تعز بها الاسلام و اهله.

## پاورقی

[۱] که از مرحله ی بر طبق مدروز حرف زدن، و به میل و به دلخواه دوستان معاشر اظهار نظر کردن گذشته اند و به سوی یافتن واقعیتها کشیده اند.

[۲] این کسان چهار تنند و از علما و زهاد و بزرگان شیعه محسوبند و به نواب اربعه معروف، بدین قرار: (۱) عثمان بن سعید اسدی عمروی (در گذشته حدود ۲۵۷ ه. ق) مدفون در بغداد. (۲) محمد بن عثمان بن سعید، پسر عثمان بن سعید مذکور (در گذشته ۳۰۴ یا ۳۰۵ ه. ق) مدفون در بغداد. (۳) شیخ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی (در گذشته ۳۲۶ ه. ق) مدفون در بغداد. (۴) ابوالحسن علی بن محمد سمری (در گذشته ۳۲۹ ه. ق) مدفون در بغداد، نزدیک آرامگاه محمد بن یعقوب کلینی. محمد بن یعقوب کلینی، معروف به ثقة الاسلام کلینی، مولف کتاب کافی (چاپ اخیر آن در ۸ جلد) نیز به سال ۳۲۹ ه. ق. در گذشته است. بنابر این، وی معاصر نواب اربعه بوده و در کنار آنان می زیسته است و چه بسا در تالیف کافی به واسطه آنان، از سوی امام راهنمایی می شده است.

[۳] methuselah.

[۴] به نقل برناردشا در کتاب kca ot methuselah کی. رجوع شود، به پانزده گفتار نگارش استاد مجتبی مینوی.

[۵] Hormone.

[۶] در اصطلاح تاریخ و سیره به کسی معمر (بر وزن مکرر) می گویند که سالیانی دراز بیش از دیگران زندگی کرده باشد.

[۷] رجوع شود به کتاب المعمرون و الوصایا - تالیف ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان سجستانی، تحقیق عبدالمنعم عامر، چاپ قاهره. تاریخ - تالیف محمد بن سائب کلبی اکمال الدین - تالیف شیخ صدوق. بحارالانوار، ج ۱۳ کفایه الموحدین، ج ۲ البرهان علی وود صاحب الزمان - تالیف علامه سید محسن عاملی و...

[۸] رجوع شود به کتاب المعمرون و الوصایا - تالیف ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان سجستانی، تحقیق عبدالمنعم عامر، چاپ قاهره. تاریخ - تالیف محمد بن سائب کلبی اکمال الدین - تالیف شیخ صدوق. بحارالانوار، ج ۱۳ کفایه الموحدین، ج ۲ البرهان علی وود صاحب الزمان - تالیف علامه سید محسن عاملی و...

[۹] بیان الفرقان، ج ۵، ص ۱۲ - ۱۱.

[۱۰] در گذشته به سال ۱۳۲۱ ه. ق.

[۱۱] در گذشته به سال ۱۳۸۶ ه. ق.

[۱۲] رجوع کنید به کفایه الموحدین (ج ۲) و بیان الفرقان (ج ۵).

[۱۳] اکمال الدین صدوق و سایر تفاسیر و تواریخ انبیا.

[۱۴] نیز کفایه الموحدین (ج ۲) و بیان الفرقان (ج ۵).

[۱۵] مجله ی مجموعه حکمت، شماره ی ۱ و ۲، سال ۳.

[۱۶] شفا، پایان الهیات.

[۱۷] از سوره ی ۲، آیه ۳۰.

[۱۸] نهج البلاغه، از کلام ۱۲۹.

[۱۹] فصول خواجه طوسی، ص ۳۸ - به بعد - انتشارات دانشگاه تهران. این سخن را بدان رو نقل کردم تا متخصصین رشته های علوم و ریاضیات عالیه بدانند که مغزهای جبار و فکرهای پر هیمنه ی بزرگ نیز، بدین حقیقت این گونه نگریسته اند، و بلکه در صدد بر آمده اند تا آن را به افق تفاهم خلقها نیز بکشند.

[۲۰] رجوع شود به کتاب بشارات عهدین، نیز مقاله ی سید هادی خسرو شاهی، مجموعه ی حکمت، شماره ی ۱ و ۲، سال سوم.

[۲۱] رجوع شود به کتاب المهدی - تالیف مرحوم آیت الله سید صدرالدین صدر. منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر - از شیخ لطف الله گلپایگانی. المنتظر علی ضوء حقائق العامه - از نویسنده ی عراقی محمد حسین الادیب.

[۲۲] در اعیان الشیعه، وثاقت و اعتبار حال این عالمان که به ولادت مهدی تصریح کرده اند، از کتب معتبر رجال و احوال خود اهل سنت ذکر شده است، نیز نوع این شخصیتها در عبقات الانوار تالیف علامه ی کبیر مجاهد، حضرت میر حامد حسین هندی نیشابوری، و در کار نامه ی عظیم الغدیر معرفی شده اند.

[۲۳] سوره ی قصص، آیه ی ۵.

[۲۴] سوره ی انبیاء، آیه ی ۱۰۵.

[۲۵] سوره ی مائده، آیه ی ۵۴.

[۲۶] مقدمه ابن خلدون، چاپ مصر، ص ۳۱۱، و از ترجمه ی فارسی به قلم محمد پروین گنابادی، ج ۱، ص ۶۳۵.

[۲۷] رجوع کنید به کتاب الی مشیخه الازهر - از استاد شیخ عبدالله سبیتی حدیث المهدی و الدکتور احمد امین - از نویسنده ی نجفی زهیری. نیز مقدمه ی این کتاب به قلم علامه و مصلح بزرگ، مرحوم کاشف الغطا را بنگرید تا ببینید که به صرف اینکه نویسنده ای از سرزمینی علمی و کهنسال برخاست، مانند احمد امین مصری، نمی توان او را جانبدار علم و تحقیق دانست.

[۲۸] ص ۵۹.

[۲۹] المهدی و المهدویه، ص ۴۱.

[۳۰] و همین اصلی ترین عامل پیشروی و خوشبختی هر اجتماع است.

[۳۱] برای اطلاعات بیشتر درباره ی امام عصرع می توانید این کتابها را نیز ببینید: اصول کافی، کتاب الحججه. غیبت شیخ طوسی. غیبت نعمانی. الامام الثانی عشر - از علامه سید محمد سعید موسوی، آل عبقات. نجم الثاقب تالیف حاجی میرزا حسین نوری. المصلح المنتظر - از محمد رضا شمس الدین. منتخب الاثر. بیان الفرقان، ج ۵. راجع به اخبار علامات ظهور، و اخبار اشراط ساعت و قیامت و خلطی که بین آنها شده است در کتاب اخیر تحقیقاتی نگارش یافته است.

[۳۲] نویسنده کتاب معروف الامام علی صوت العدالة الانسانیه، در ۵ جلد.

[۳۳] صوت العدالة، ج ۵، ص ۱۱۸۵ - ۱۱۶۵: فصل مع الثائین.

[۳۴] ممکن است خود آنان درک کرده باشند و لیکن نخواهند دیگران درک کنند.

[۳۵] تفسیر طنطاوی، ج ۱۴، ص ۱۸.

[۳۶] شرح حکمه الاشراف ص ۲۴ - ۲۳.

[۳۷] الغدیر، ج ۱، ص ۱۲ و ۱۳ و ج ۳، ص ۹۶ و ۹۷.

[۳۸] این دانشمندان مجاهد، تالیفات ارجمند دیگر نیز دارند.

[۳۹] ص ۲۶ به بعد.

[۴۰] احلام الفلاسفه - تالیف سلامه موسی، ص ۱۲.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر



ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۰۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بیدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».







مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

